

بررسی کشش‌پذیری منابع مختلف درآمدهای

عمومی دولت نسبت به رشد اقتصادی ایران: ۱۳۸۳-۱۳۵۰

دکتر احمد جعفری صمیمی و دکتر یوسف محنت فر*

|| : || :

چکیده:

برای افزایش رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه لازم است منابع داخلی و مخصوصاً درآمدهای عمومی دولت برای رسیدن به افزایش رشد اقتصادی بسیج شود. به عبارت دیگر، برای تحقق رشد اقتصادی باید آهنگ رشد منابع درآمدهای عمومی دولت نسبتاً سریعتر از تولید ناخالص داخلی کشور که در حقیقت مهمترین شاخص اقتصاد کلان برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی است، باشد. در این مقاله کشش درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی ایران با استفاده از اطلاعات سری‌های زمانی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۸۳ تخمین زده شده و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان دهنده آن است که در دوره‌ی مورد بررسی افزایش میزان تولید ناخالص داخلی واقعی تأثیر مثبتی بر افزایش درآمدهای نفتی داشته است. در این تحقیق به بررسی کشش درآمدهای عمومی دولت نسبت به درآمدهای مالیاتی، درآمدهای نفتی و سایر درآمدهای دولت و همچنین کشش درآمدهای عمومی نسبت به تولید ناخالص داخلی پرداخته شده است. نتایج حاصل از الگوهای اقتصاد سنجی نشان می‌دهد که کشش درآمدهای عمومی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی برابر با ۰/۵۳ است؛ بدین معنی که افزایش در تولید ملی اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد درآمدهای دولت در طی دوره‌ی مورد بررسی داشته است.

طبقه‌بندی H50:JEL

واژه‌های کلیدی: درآمدهای عمومی دولت، تولید ناخالص ملی، درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی، سایر درآمدهای دولت، کشش‌پذیری

*

(ymehnatfar@yahoo.com)

تاثیر درآمدهای دولت بر رشد اقتصادی در چند دهه‌ی اخیر توجه زیادی از اقتصاددانان را به خود جلب کرده است. به‌طور نظری، اگر بخش دولتی از کارآمدی کمتری نسبت به بخش خصوصی برخوردار باشد، اندازه‌ی بزرگتر دولت منجر به رشد کندتر اقتصادی خواهد شد. در حالی که اگر بخش دولتی کالاهای اساسی عمومی را که تولیدکنندگان بخش خصوصی قادر به فراهم سازی آن نیستند عرضه کند، اندازه‌ی بزرگتر دولت به رشد سریع‌تر اقتصادی منجر خواهد شد.

اقتصاددانان مهمترین وظایف دولت را وظایف ذاتی آن، شامل امنیت، بهداشت و آموزش می‌دانند. برخی این وظایف را برای دولت کافی ندانسته و دخالت دولت در اقتصاد را برای حفظ تعادل اقتصادی بازار ضروری می‌دانند. در مقابل، برخی دخالت دولت را مداخله گرایانه و محدود کننده‌ی آزادی و انتخاب می‌دانند و آن را عامل غیر کارآمد و رانتهی شدن دولت قلمداد می‌کنند که از این رهگذر، نظریه‌ی شکست دولت مطرح می‌گردد. در اقتصاد ایران دولت سهم بسیار بالایی از اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده است و به تناسب این ساختار، مخارج دولتی در طی سال‌های اخیر هر ساله افزایش پیدا کرده است.

از جهت دیگر، گسترش ضروری خدمات عمومی، دولت‌ها را مجبور کرد که خود به‌صورت عاملی اقتصادی درآیند و در مواردی چند به تولید نیز بپردازند. علاوه بر این، تحقق این فرآیند شرطی اجتناب پذیر در توسعه‌ی کشورها به صورتی همگن و با برنامه ریزی کارآ و موثر بشمار می‌رود. به موازات فعالیت کلان اقتصادی در کشور، سهم دولت در اقتصاد نیز رو به افزایش بوده است و در بسیاری از حوزه‌ها شاهد تاثیر مداخله‌ی دولت بر روندهای فعالیت‌های اقتصاد بوده‌ایم. امروزه در کمتر جای دنیا اثری از اقتصاد خصوصی و دولتی محض می‌توان یافت بلکه امروزه اکثر جوامع دارای اقتصاد مختلط می‌باشند.

ویژگی این تحقیق این است که اندازه‌ی دولت را از نسبت بودجه‌ی کل کشور به تولید ناخالص داخلی (GDP) و نسبت هزینه‌های جاری دولت به تولید ناخالص داخلی و همچنین هزینه‌های عمرانی به تولید ملی و در نهایت سهم درآمدهای نفتی نسبت به تولید ناخالص داخلی بررسی نموده است. یکی از فرض‌هایی که امروزه در ارتباط با کشورهای در حال توسعه مورد قبول اغلب اقتصاددانان می‌باشد، این است که برای افزایش رشد اقتصادی، این کشورها باید با

بسیج منابع مختلف داخلی و بدون انتظار کمک از جانب کشورهای دیگر، برای رسیدن به این هدف گام بردارند. در این ارتباط استفاده از یک نظام مالیاتی موثر، می‌تواند ابزار مطلوبی برای تامین هدف فوق باشد. نیکولاس کالدور^۱ (۱۹۵۷) معتقد است که اگر کشورهای توسعه نیافته بخواهند پیشرفت سریع اقتصادی داشته باشند، نقش درآمدهای عمومی دولت به هیچ وجه نباید نادیده گرفته شود. بر اساس نظریه‌ی وی، بدون توجه به رنگ سیاسی و یا ایدئولوژی حاکم بر این کشورها، شرایط اولیه‌ی لازم برای توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی کشور این است که دولت باید به صورت قابل توجهی خدماتی از قبیل تعلیم و تربیت، بهداشت، شبکه‌های ارتباطات و غیره را که درآمدزا نیست، گسترش دهد.

در این تحقیق سعی شده است با استفاده از اطلاعات موجود و قطعی کشورمان در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۰ چگونگی سهم و اهمیت منابع مختلف درآمدهای بخش عمومی و مخصوصاً مالیات‌ها و رابطه‌ی آن با رشد اقتصادی کشور بررسی و ارزیابی شود. در این مقاله برای بررسی بیشتر ارتباط درآمدهای دولت با تولید واقعی ملی به سئوالات زیر پاسخ خواهیم گفت:

- ۱- آیا کسش درآمدهای عمومی دولت نسبت به رشد اقتصادی در دوره‌ی ۱۳۸۳-۱۳۵۰ مثبت و معنی دار است؟
 - ۲- آیا افزایش رشد اقتصادی کشور در پی افزایش درآمدهای نفتی بوده است؟
 - ۳- آیا افزایش رشد اقتصادی در اثر افزایش درآمدهای مالیاتی کشور بوده است؟
- در نهایت، این مطالعه کسش پذیری منابع مختلف درآمدهای عمومی دولت نسبت به رشد اقتصادی در ایران را بررسی خواهد کرد.

۲- مروری بر پیشینه‌ی تحقیق

۲-۱- از دیدگاه نظری

بحث در میان اقتصاددانان در خصوص نقش دولت در اقتصاد ملی ابعاد گسترده‌ای دارد و نشان دهنده‌ی دیدگاه‌های بسیار متفاوت و بعضاً متناقضی در این مورد وجود دارد. در طیف وسیعی که تقریباً همه‌ی این دیدگاه‌ها را دربرمی‌گیرد، از یک سو دولت حداقلی و از سوی دیگر دولت سوسیالیستی تمام عیار قرار دارد.

^۱ Kaldor, N.

منظور از دولت حداقلی، حکومت مرکزی محدود شده به وظیفه تامین امنیت داخلی و خارجی، صیانت از حقوق مالکیت شهروندان و تضمین اجرای قراردادها است. در این حالت، کارکرد دولت صرفاً سیاسی - حقوقی است و تخصیص منابع اقتصادی اساساً از طریق داد و ستدهای داوطلبانه (بازار آزاد) صورت می‌گیرد.

در دولت‌های کاملاً سوسیالیستی، مالکیت منابع اقتصادی به دولت تعلق دارد و دولت علاوه بر وظیفه‌ی اولیه‌ی تامین امنیت، عهده‌دار تخصیص منابع اقتصادی نیز است. در واقعیت تجربی و تاریخی جوامع بشری، هیچ کدام از این دو مدل به‌طور کامل تحقق نیافته است؛ یعنی در عمل کشورهای مختلف در داخل این طیف قرار دارند و تفاوت آنها در میزان نزدیکی یا دوری آنها از دو سر طیف است. برای مثال، دولت‌های رفاه در میانه متمایل به سوسیالیسم و دولت‌های کمتر مداخله‌گر در میانه متمایل به دولت حداقلی قرار می‌گیرند.

پس از شکست نظری و عملی سوسیالیسم تمام عیار در چین و روی آوردن این کشور به اقتصاد آزاد، دیگر امروزه کمتر اقتصاددانی است که مدافع مالکیت دولتی و تخصیص منابع مستقیم از سوی دولت باشد و بحث‌ها بیشتر روی تنظیم بازار (در موارد شکست یا ناکارایی آن) و توزیع مجدد در جهت تضمین حداقل تامین اجتماعی و رفاه برای همه متمرکز شده است. منظور از توزیع مجدد، گرفتن مالیات از صاحبان ثروت‌ها و درآمدهای بالا توسط دولت و هزینه کردن آن برای اقشار فقیر و کم درآمد است. در این مقاله به بررسی اهمیت درآمدهای نفتی در بودجه‌ی عمومی دولت و سهم بسیار پایین درآمدهای مالیاتی در کل درآمد دولت خواهیم پرداخت. این بررسی مشخص می‌کند که دخالت‌های دولت در اقتصاد کشور بیشتر روی توزیع اولیه (نامطلوب) متمرکز است یا توزیع مجدد (مطلوب). شرکت‌های بزرگ دولتی و شبه دولتی که خارج از منطق بازار و صرفاً با تصمیمات حکومتی مدیریت می‌شوند، بزرگترین عامل اتلاف منابع هستند و نه تنها کوچکترین نقشی در کاستن از شکاف درآمدی در جامعه ندارند، بلکه تعداد ویژه خواران، رانت جویان و ثروتمندان را افزایش داده‌اند. درآمدهای نفتی همانند مالیاتی هستند که دولت از دارایی‌های متعلق به همه‌ی مردم (چه ثروتمند و چه فقیر) به‌طور مساوی می‌گیرد، اما در هزینه کردن آن بیش از آنکه اقشار کم درآمد را با رفاه بیشتری مواجه کند، در عمل بخش عمده‌ی آن را در اختیار ثروتمندان قرار می‌دهد. یارانه‌های انرژی که رقم سالیانه‌ی آن به میلیاردها دلار می‌رسد، در

نهایت به طور کاملاً نابرابری بیشتر نصیب اقشار ثروتمند و مرفه جامعه می شود. آنچه دولت ایران از طریق شرکت های دولتی و بودجهی عمومی انجام می دهد، در حقیقت چیزی جز تخصیص اولیهی منابع اقتصادی به صورت ناکارآمد، نابرابر و غیرمنصفانه نیست. اقتصاد دولتی در چنین وضعیتی، ارتباطی با وضعیت مطلوب و عدالت به هر معنای آن ندارد (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴).

اولین بررسی انجام شده در مورد رشد هزینه های دولت مربوط به آدلف واگنر^۲ (۱۹۱۷-۱۸۳۵) اقتصاددان سیاسی آلمان است. یافته های وی نشان می دهد که با فرآیند صنعتی شدن سیستم اقتصادی و پیچیده شدن عملکرد عوامل تشکیل دهنده بازار، گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت در مناطق شهری وجود قراردادهای و قوانین تجاری و در نتیجه تشکیلات اداری و قضایی برای رسیدگی و نظارت به موارد فوق ضرورت یافته است. لذا، دخالت دولت در مسائل اقتصادی لازم و همین امر موجب افزایش رشد هزینه های دولت شده است. در تحلیل فوق علت اصلی رشد مخارج دولت، تبدیل جامعه از حالت «سنتی» به «صنعتی» است. در این زمینه متغیری هایی مانند نیروی کار استخدام شده در بخش صنعت، نسبت مشارکت زنان در بازار کار، رشد جمعیت و هرم سنی آن و درجهی شهرنشینی، معیارهای ارزیابی قانون واگنر هستند. به عبارت دیگر، بر اساس تجزیه و تحلیل فوق، رابطه بین مخارج دولت و متغیرهای فوق مثبت است.

از نظر واگنر خدماتی مانند تعلیم و تربیت، فرهنگ و بهداشت و رفاه از کسب درآمدی^۳ بالایی برخوردارند. با رشد درآمد سرانه در اقتصاد، اندازهی نسبی بخش عمومی نیز افزایش پیدا می کند.

ماسگریو^۴ (۱۹۶۹) همانند واگنر بر نقش متغیر دولت در فرآیند توسعهی اقتصادی تأکید داشت. او بر خلاف واگنر، در آمد سرانه را ملاک توسعهی اقتصادی قلمداد می کرد. از نظر ماسگریو در مراحل توسعهی اقتصادی، سهم اجزاء ترکیب مخارج دولتی (سرمایه ای، مصرفی، انتقالی) تغییر می کند. او با طبقه بندی مخارج دولتی در سه گروه مخارج مصرفی، مخارج سرمایه گذاری و مخارج انتقالی معتقد است نیروهایی که باعث صنعتی شدن یا توسعهی اقتصاد می گردند، ممکن است

² Adolf Wagner

³ Income Elasticity

⁴ Musgrave

باعث گسترش یا تجدید این مخارج شوند. ماسگریو تغییرات عوامل اقتصادی، دموکراسی، تکنولوژی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را از عوامل مؤثر بر افزایش هزینه‌های دولتی بیان می‌کند.

نظریه‌ی پیکاک وایزمن^۵ (۱۹۶۱) به «تئوری چرخ دنده‌ای رشد مخارج دولت»^۶ معروف است. در این نظریه، فرض بر این است که شرایط بحرانی زودگذر، باعث افزایش مخارج دولت می‌شود و این مخارج در سطحی بالاتر از سطح مخارج قبل از بحران باقی می‌ماند.

بر اساس نظریه‌ی بامول^۷ که به الگوی اسکاندیناوی تورم معروف است و بامول آن را یک نوع بیماری تلقی می‌کند، بهره‌وری در بخش دولتی به مراتب کمتر از بخش خصوصی است، در حالی که افزایش دستمزد در بخش دولتی و خصوصی، شبیه به هم است و همین امر باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات دولتی می‌شود و در نتیجه سهم اسمی مخارج دولتی در کل تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد.

یکی از وجوه تمایز میان نظام‌های مختلف اقتصادی، نقش دولت در آن نظام‌ها است. در نظام سرمایه داری نقش دولت در حداقل خود می‌باشد و اندازه‌ی متغیرهای اقتصادی اساساً توسط نیروهای غیر متمرکز و به طور عمده عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. در طرف مقابل، نقش دولت در نظام سوسیالیستی بسیار گسترده می‌باشد و نهادهای دولتی بخش مهمی از وسایل تولید را کنترل می‌کنند. در این میان، نظام‌ها و مکاتب دیگری نیز وجود دارد که در اینجا به تفکیک و به طور خلاصه به بررسی آنها می‌پردازیم.

آدام اسمیت^۸ (۱۷۷۶) بنیانگذار مکتب کلاسیک، لازمه‌ی تحقق فرایند منظم و خود افزای رشد و توسعه‌ی اقتصادی در سرمایه داری را وجود رقابت آزاد، آزادی کسب و کار و دخالت نکردن دولت در امور اقتصادی بخش خصوصی می‌داند. به طور کلی، اسمیت و طرفداران نظام اقتصادی سرمایه داری لیبرال، سه وظیفه‌ی برقراری امنیت خارجی، امنیت داخلی و تولید کالاهای عمومی را برای دولت قایل بودند. در این دیدگاه بهترین دولت، دولتی است که حداقل دخالت را در امور دارد.

^۵ Peakak Wiseman

^۶ The Ratchet Theory of Government Growth

^۷ Baumol

^۸ Adam Smith

نیروهای بازار آزاد و رقابتی، تولید، مبادله و توزیع را هدایت و راهنمایی خواهند نمود و اقتصاد به گونه‌ای عمل می‌نماید که همواره خود را اصلاح می‌کند و به سمت اشتغال کامل بدون دخالت دولت تمایل دارد. در این دیدگاه، دولت ترجیح‌های انفرادی را محترم شمرده و زمانی دخالت می‌کند که تامین بهترین تخصیص منابع از طریق نظام بازار امکان نداشته باشد و سیستم بازار از بهینه‌ی پارتو فاصله گرفته و دچار شکست شده باشد.

جان استوارت میل (۱۸۴۸) نسبت به اسمیت، بخش عمومی را از دید وسیع‌تری مورد تحلیل قرار می‌دهد. او هم مثل آدام اسمیت به آزادی اقتصادی به عنوان یک اصل مهم اعتقاد دارد، اما در برخی موارد محدود کردن فردی و اقتصادی را مجاز می‌شمارد. او با توجیه هزینه‌های دولت در زمینه‌ی جلب رضایت و اعتماد عمومی، به بیان این موضوع می‌پردازد که ممکن است برخی از افراد قادر به درک مطلوبیت حاصل از بعضی از خدمات دولتی مثل تعلیم و تربیت برای کودکان، جلوگیری از قراردادهای مضر برای جامعه و وضع قانون کار نباشد، اما آن خدمات ضروری هستند. با بررسی سیر تاریخی این مکتب، مشخص می‌شود که تعدیلهایی در آن صورت گرفته است و در هر زمان متناسب با شرایط، وظایف دولت افزونتر گردیده است.

کینز در سال ۱۹۳۶، با انتشار کتاب نظریه‌ی عمومی اشتغال بهره و پول بعد از ناکامی کلاسیک‌ها در پایان دادن بحران سال ۱۳۲۹ ظهور کرد. کینز نظریه‌ی آنها را مبنی بر گرایش طبیعی فعالیت‌های اقتصادی به سوی اشتغال کامل مورد حمله قرار می‌دهد و معتقد است که تنظیم سطح تولید و درآمد ملی و اشتغال، مستلزم مداخله‌ی دولت و شرکت دولت در امور اقتصادی بخش خصوصی است. اینجاست که دولت با اعمال سیاست‌های پولی و مالی باید مشکل «کمبود تقاضای موثر» و در نتیجه کمبود تولید و ضعف بالقوه خرید، بیکاری و مصرف نارسا را مرتفع سازد و در نتیجه اقتصاد را به اشتغال کامل بدون وجود تورم هدایت کند. کینز معتقد است که اقتصاد رقابتی سرمایه داری باید به اقتصاد مختلط^۹ تبدیل شود و در آن بخش دولتی و بخش بانکی باید به بخش خصوصی در ایجاد تعادل اشتغال کمک نمایند. در واقع، اجتماعی شدن سرمایه گذاری و جایگزین شدن تقاضاهای بخش دولتی به جای تقاضاهای خصوصی، متمایز بودن نفع عموم از منافع

^۹ Mixed Economy

فردی، ربط ارگانیزم‌های جمعی برای رهبری اقتصادی، فلسفه‌ی اقتصاد کینز را شکل می‌دهد. اقتصاددانان کینزی بر این اعتقادند که برای مقابله با رکود و بحران، دولت باید عرضه‌ی پول را زیاد کند تا با کاهش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری افزایش یابد.^{۱۰} همچنین معتقدند برای جلوگیری از تورم نیز دولت باید عکس سیاست‌های بالا را اعمال کند. کینزین‌های جدید که اساس تحلیل‌های آنها قراردادهای کارگری، چسبندگی دستمزدها و قیمت‌ها می‌باشد، نیز وظیفه‌ی تنظیم اقتصاد را برعهده دولت گذاشته‌اند تا با اعمال سیاست‌هایش با سرعتی بیشتر از بخش خصوصی در برابر تنش‌های تصادفی به مدیریت تقاضا پردازد؛ زیرا آنها به شکل گیری انتظارات به‌صورت عقلانی اعتقاد دارند.

۲-۲- از دیدگاه تجربی

۲-۲-۱- بررسی تحقیقات انجام شده درباره‌ی افزایش رشد تولید ملی در اقتصاد ایران

در این قسمت ابتدا به‌صورت خلاصه به بررسی تاریخی دخالت دولت در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود و سپس تحقیقات انجام شده در این زمینه بررسی می‌شود. دخالت دولت در اقتصاد از نظر قدمت تاریخی به زمان مرکانتلیست‌ها برمی‌گردد، اما از اواخر قرن ۱۹ میلادی در جوامع غربی، مساله‌ی دخالت دولت و دولت مجری به علت ناتوانی نظام بازار، بخصوص در ارتباط با سرمایه‌گذاری زیربنایی و تامین اجتماعی، بیشتر مطرح شده است. در قرن بیستم نظریات کینز باعث شده که مساله‌ی دخالت دولت در اقتصاد بیشتر قوت بگیرد. افزایش بودجه‌ی دولت و وابستگی آن به درآمدهای نفتی و به دنبال آن افزایش بودجه‌ی شرکت‌های دولتی طی سال‌های اخیر از علل افزایش حجم فعالیت‌های اقتصادی و اندازه‌ی دولت در اقتصاد ایران بوده است. به عبارت دیگر، حجم فعالیت‌های دولت با توسل

(Liquidity Trap)

()

به توهم بودجه‌ای، از سال ۱۳۶۲ شدت گرفته و از سال ۱۳۶۸ ابعاد بی‌سابقه‌ای یافته است. البته در سال‌های اجرای برنامه‌ی دوم و سوم توسعه‌ی اقتصادی کشور نیز این روند ادامه پیدا کرده است. از جمله موارد توهم بودجه‌ای، به مبلغ اضافی دریافتی بابت فروش ارز برای تامین کسری بودجه بخصوص در سال ۱۳۷۷ و تزریق ۵/۵ میلیارد ریال از حساب ذخیره‌ی ارزی جهت جبران کسری بودجه در طی سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ می‌توان اشاره کرد. مبالغ دریافتی دولت در واقع نوعی مالیات غیر مستقیم است ولی در فهرست مالیات‌ها منظور نمی‌شود. بنابراین، حجم مالیات‌های غیر مستقیم به مراتب بیشتر از ارقام ذکر شده در منابع و اسناد رسمی است.

مطالعات زیادی به صورت مطالعات مقطعی^{۱۱} و سری زمانی برای بررسی عوامل موثر بر رشد اقتصادی در کشور، انجام شده است. اغلب تحقیقات انجام شده در این زمینه، به صورت سری زمانی^{۱۲} در ایران انجام شده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

مهستی زواشکیانی (۱۳۷۴) یک تحلیل تجربی و نظری از ارتباط رشد اقتصادی و بخش عمومی برای سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۵۰ ارائه کرد. او در تحقیق خود به این نکته دست یافت که مخارج عمرانی دولت در آموزش و پرورش و بهداشت (نسبتی از تولید ناخالص داخلی) ارتباط مثبت با رشد اقتصادی دارد و مخارج عمرانی دولت در کشاورزی، مسکن، حمل و نقل و ارتباطات، صنعت و معدن، مخارج مصرفی و غیر مولد دولت، درآمد مالیاتی، درآمد نفت و گاز و کسری بودجه دارای اثر منفی بر رشد هستند.

صابر لشکر بلوکی (۱۳۷۵) با استفاده از داده‌های سری زمانی (۱۳۷۳-۱۳۳۸) بر اساس قانون بارو به تعیین اندازه‌ی بهینه‌ی دولت ایران پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که اختلاف بین اندازه‌ی بهینه و عملکرد دولت در مورد کل مخارج ۱۷ درصد، جمع مخارج خارجی ۳۰ درصد، جمع مخارج عمرانی ۱۱ درصد، جمع امور عمومی ۴۰ درصد جمع امور اجتماعی ۵۰ درصد، امور اقتصادی ۳۰ درصد، هزینه‌های جاری در امور اجتماعی ۵۱ درصد، هزینه‌های عمرانی در امور اقتصادی ۱۳ درصد می‌باشد.

¹¹ Cross - Section

¹² Time - Series

حسن رضانی (۱۳۸۱) با استفاده از برآورد کننده‌ی حداقل مربعات سه مرحله‌ای برای سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۵۰ به بررسی تاثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی پرداخت. او در این تحقیق دریافت که کشش تولید سرانه نسبت به سهم نسبی مخارج کل دولت و اجزای آن در اقتصاد ایران مثبت است.

سید محمود علوی (۱۳۷۸) جهت بررسی رشد هزینه‌های دولت در اقتصاد ایران، بر اساس قانون واگنر و از روش همجمعی استفاده کرده و پس از برآورد رابطه‌ی بلند مدت به بررسی پویایی مدل در کوتاه مدت پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که یک رابطه‌ی بلند مدت بین تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت و مخارج سرانه دولت به قیمت ثابت و به تفکیک مصرفی و سرمایه گذاری وجود دارد. همچنین، بر اساس نتایج به دست آمده، که یک درصد افزایش در تولید داخلی سرانه، به رشدی بیش از یک درصد در مخارج سرانه‌ی دولت به تفکیک مصرفی و سرمایه گذاری منجر می‌شود. به عبارت دیگر، قانون واگنر برای ایران در دوره‌ی مورد بررسی تایید شده است. همچنین با استفاده از نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطا مشخص شده است که با افزایش یک درصدی در رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، مخارج سرمایه گذاری سالانه‌ی دولت با شتاب بیشتری نسبت به مخارج مصرفی سرانه‌ی دولت افزایش می‌یابد. ضرایب تعدیل در الگوی تصحیح خطا نیز بیانگر آن بوده که مخارج سرمایه گذاری سرانه در مقایسه با مخارج مصرفی سرانه‌ی دولت سریعتر نسبت به روند بلند مدت خود تعدیل می‌شوند.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۲) در جهت سیاست‌های منطقی سازی اندازه‌ی دولت ایران، با مقایسه وسعت بخش عمومی کشورمان با کشورهای توسعه یافته به این نتیجه رسیده است که دولت بزرگتر به معنای رشد آهسته‌تر است. با توجه به اینکه بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که نسبت بودجه‌ی کل کشور (شامل بودجه‌ی عمومی دولت به علاوه بودجه‌ی شرکت‌های دولتی) به تولید ناخالص داخلی بیش از ۷۰ درصد است. این رقم بسیار بزرگ و در حد و اندازه‌ی کشورهای است که بزرگترین دولت‌ها را دارند. این در حالی است که اندازه‌ی مطلوب شاخص اقتصادی دولت ۱۵ الی ۳۰ درصد شناخته شده است. بنابراین، دولت باید در جهت خصوصی سازی و واگذاری فعالیت‌های دولت به بخش خصوصی تلاشی چشمگیرتر داشته باشد.

۲-۲-۲- بررسی تحقیقات انجام شده در سایر کشورها

کوزنتز^{۱۳} (۱۹۷۱) بیان کرد که مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه در حد چشمگیری افزایش یافته است. از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ در کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین، نرخ افزایش مخارج دولتی به عنوان سهمی از محصول ناخالص ملی به طور متوسط در سطح ۱۲ درصد باقی مانده است. برای کشورهای با درآمد پایین و متوسط رو به بالا، افزایش مخارج دولتی به طور چشمگیری کمتر بوده است. با وجود آنکه هزینه‌های مصرفی در کشورهای توسعه یافته محدود شده، ولی این مخارج از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۶ رشد کرده است، اما نه به اندازه‌ی کشورهای صنعتی که دارای اقتصاد مبتنی بر بازار هستند. کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی، به طور متوسط درصد کمتری از محصول ناخالص داخلی را به پرداخت‌های دولتی اختصاص می‌دهند. به نظر می‌رسد که این موضوع در مورد کشورهای با درآمد پایین و متوسط متفاوت است. در سال ۱۹۸۶ دامنه‌ی مخارج دولت مرکزی به عنوان سهمی از محصولات ناخالص ملی ۷ تا ۷۲ درصد و مصرف دولتی به عنوان سهمی از محصول ناخالص داخلی ۷ تا ۴۵ درصد شده است. این تغییرات در کشورهای صنعتی بیشتر مشاهده می‌شود.

لاندا^{۱۴} (۱۹۸۳) داده‌های تطبیقی بین المللی کراویز- سامرز- هستون^{۱۵} برای ۱۰۴ کشور طی دوره‌ی (۱۹۶۱ - ۱۹۷۶) را تحلیل کرد و به این نتیجه رسید که ارتباط منفی معنی داری بین سهم هزینه‌های دولت در تولید ناخالص داخلی واقعی (GDP) و نرخ رشد (GDP) واقعی سرانه وجود دارد. لاندا همچنین در سال ۱۹۸۶ ارتباط بین اندازه‌ی دولت و رشد اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته را بررسی کرد. او هزینه‌های دولت را به پنج گروه هزینه‌های مصرفی، هزینه‌های آموزشی، هزینه‌های گسترش سرمایه، هزینه‌های نظامی و هزینه‌های انتقالی طبقه بندی کرد و به این نتیجه رسید که همه‌ی آنها تاثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند.

¹³ Kuznets

¹⁴ Landa

¹⁵ Skravis-Summer-Heston

پیتر جوبرگ^{۱۶} (۲۰۰۳) برای بررسی اثر مخارج دولت بر رشد، با استفاده از داده‌های ۱۹۶۰-۲۰۰۱ کشور سوئد، مخارج دولت مرکزی را بر روی متغیرهای سرمایه گذاری و مصرف خصوصی و نرخ بهره رگرس کرده است. نتیجه انجام این بررسی نشان می‌دهد که سرمایه گذاری خصوصی، مصرف خصوصی و سرمایه گذاری دولت بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد، ولی نرخ بهره، پرداخت‌های انتقالی دولت و مصرفی دولت اثری معکوس بر رشد دارند. بنابراین، احتمال اینکه افزایش مخارج دولتی باعث جلوگیری از رشد اقتصادی شود، وجود دارد.

نیلوی بوس^{۱۷} (۲۰۰۳) با استفاده از ترکیب داده‌های سری زمانی و بین کشوری^{۱۸} برای ۳۰ کشور در حال توسعه در دو دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بررسی رابطه‌ی بین مخارج بخش عمومی و رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج تحقیق او عبارت است از:

الف - مخارج جاری اثری بر رشد ندارد، اما مخارج سرمایه‌ای بر رشد اثر مثبت دارد.

ب - درآمدهای مالیاتی دولت با رشد رابطه‌ی معکوس دارد. کسری بودجه‌ی دولت نیز اثری بسیار منفی بر رشد اقتصادی دارد.

ج - انتقال مخارج دولت از مخارج جاری به مخارجی که صرف تعلیم و تربیت می‌شود، موجب رشد اقتصادی می‌شود.

۳- روش تحقیق

در این مقاله از اطلاعات و آمارهای بانک مرکزی، سالنامه‌های آماری سال‌های مختلف، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و همچنین معاونت آمارهای اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی به صورت سری زمانی (۱۳۸۳-۱۳۵۰) مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به روش‌های آماری و تحلیل الگوهای اقتصادسنجی و تعریف آن، الگوهای مورد نظر پردازش شده است.

¹⁶ Piter Sjoberg

¹⁷ Niloy Bose

¹⁸ Panel Data

۴- جمع آوری، سامان‌دهی و تعریف اطلاعات

در این مقاله متغیرهای مورد استفاده در الگوهای اقتصادسنجی، دقیقاً تعریف می‌شود تا دایره‌ی شمول متغیرها، مشخص شود. در تعریف متغیرها از تعاریف صاحب نظران و اقتصاددانان استفاده شده است و سپس با الهام از آن تعاریف، متناسب با موضوع تحقیق و منطبق با واقعیت‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، نوع شاخص و متغیر مناسب انتخاب شده است.

با توجه به اینکه در هر مدل اقتصادسنجی، متغیرهای موجود در مدل به دو دسته متغیرهای توضیح دهنده و متغیرهای توضیح شونده، یا به عبارت دیگر، متغیر مستقل و متغیرهای وابسته تقسیم می‌شوند، در مدل‌های اقتصادسنجی رشد اقتصادی نیز، چنین موضوعی معمول است که در این قسمت به تشریح متغیرها و نحوه‌ی محاسبه‌ی آنها می‌پردازیم. نسبت هزینه‌های جاری و عمرانی دولت و همچنین درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولت در بررسی رشد اقتصادی ایران مورد توجه می‌باشد.

در این قسمت به بررسی تجربی اهمیت موضوع مورد مطالعه خواهیم پرداخت و ضمن ارائه‌ی الگوهای مختلف اقتصادسنجی در زمینه‌ی علل رشد تولید ملی در سال‌های اخیر، به تفسیر نتایج الگوهای اقتصادسنجی پرداخته خواهد شد. برای بررسی اهمیت و انعطاف‌پذیری منابع مختلف درآمدهای بخش عمومی در رشد اقتصادی ایران، کشش این منابع نسبت به تولید ناخالص داخلی را برآورد می‌کنیم که در حقیقت مهم‌ترین شاخص اقتصاد کلان برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی است. برای این منظور با استفاده از تعریف کشش می‌توان نوشت:

$$(۱) \quad \text{کشش} = \frac{\text{درصد تغییرات درآمدهای عمومی}}{\text{درصد تغییرات در تولید ناخالص داخلی}}$$

اگر کشش را با β ، کل درآمدهای عمومی را با TR و تولید ناخالص داخلی را با GDP نمایش دهیم، در این صورت می‌توان فرمول کشش را به صورت زیر نیز نوشت.

$$\beta = \frac{\frac{dTR}{TR}}{\frac{dGDP}{GDP}} = \frac{d \ln TR}{d \ln GDP} \quad (2)$$

بنابراین،

$$d \ln TR = \beta d \ln GDP \quad (3)$$

با انتگرال گیری از طرفین معادله‌ی (۳) خواهیم داشت:

$$\ln TR + C_1 = \beta \ln GDP + C_2 \quad (4)$$

که در آن C_1 و C_2 اعداد ثابت انتگرال هستند. معادله‌ی (۴) را می‌توان به صورت زیر نوشت.

$$\ln TR = \beta \ln GDP + (C_2 - C_1) = \ln (GDP)^\beta e^a \quad (5)$$

که در آن $a = C_2 - C_1$ عدد ثابت و e مبنای لگاریتم و β کشش درآمدهای عمومی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی است.

با استفاده از معادله‌ی (۵) اکنون می‌توان نوشت.

$$TR = e^a (GDP)^\beta \quad (1-5)$$

معادله‌ی (۱-۵) در حقیقت معادله‌ای است که رابطه‌ی بین درآمدهای عمومی مختلف دولت (TR) و تولید ناخالص داخلی (GDP) را نشان می‌دهد. ضرایب α و β پارامترهای الگوی فوق را نشان می‌دهند. هدف اصلی ما برآورد پارامتر β و تفسیر اقتصادی آن است.

برای تخمین پارامتر β با توجه به معادله‌ی (۱-۵) باید گفت که این الگو ظاهراً یک الگوی غیر خطی است ولی با استفاده از تبدیل لگاریتمی می‌توان معادله‌ی (۱-۴) را به صورت زیر نوشت.

$$\ln TR = a + \beta \ln GDP \quad (6)$$

$$TR^* = a + \beta GDP^* \quad (7)$$

که در آن $TR^* = \ln TR$ است و $GDP^* = \ln GDP$ است.

با توجه به معادله‌ی (۷) می‌توان با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پارامترهای رگرسیون TR^* بر روی GDP^* و در نتیجه تخمین β را که در حقیقت تخمین کشش منابع درآمدهای عمومی دولت TR نسبت به تولید ناخالص داخلی

GDP است، به دست آورد.^{۱۹} با استفاده از تخمین این کشش (β) می توان انعطاف پذیری و حساسیت انواع مختلف درآمدهای عمومی دولت در ارتباط با تغییرات تولید ناخالص داخلی را بررسی کرد. هر چه این کشش بیشتر باشد، در این صورت می توان گفت که برای تامین و تداوم رشد اقتصادی می توان به منابع داخلی بیشتر تکیه نمود.

الگوهای نهایی (۸):

$$\begin{aligned} \ln TR = & a_0 + a_1 \ln GDP + a_2 D_1 \ln GDP + a_3 D_2 \ln GDP \\ & + a_4 D_3 \ln GDP + a_5 D_4 \ln GDP + a_6 D_5 \ln GDP + U_1 \end{aligned} \quad (۸-۱)$$

$$\begin{aligned} \ln TR = & \beta_0 + \beta_1 \ln TTR + \beta_2 D_1 \ln TTR + \beta_3 D_2 \ln TTR \\ & + \beta_4 D_3 \ln TTR + \beta_5 D_4 \ln TTR + \beta_6 D_5 \ln TTR + U_2 \end{aligned} \quad (۸-۲)$$

$$\begin{aligned} \ln TR = & \chi_0 + \chi_1 \ln OIR + \chi_2 D_1 \ln OIR + \chi_3 D_2 \ln OIR \\ & + \chi_4 D_3 \ln OIR + \chi_5 D_4 \ln OIR + \chi_6 D_5 \ln OIR + U_3 \end{aligned} \quad (۸-۳)$$

$$\begin{aligned} \ln TR = & \delta_0 + \delta_1 \ln SGR + \delta_2 D_1 \ln SGR + \delta_3 D_2 \ln SGR \\ & + \delta_4 D_3 \ln SGR + \delta_5 D_4 \ln SGR + \delta_6 D_5 \ln SGR + U_4 \end{aligned} \quad (۸-۴)$$

در الگوهای فوق برای بررسی بیشتر در خصوص کشش پذیری درآمدهای دولت نسبت به سایر درآمدها متغیرهای دامی از قبیل، انقلاب (D_1) جنگ تحمیلی (D_2)، برنامه توسعه اول (D_3)، برنامه توسعه دوم (D_4)، برنامه توسعه اقتصادی سوم (D_5) را وارد مدل کرده ایم، و اثر هر کدام را مورد بررسی قرار داده و الگوها را بر این اساس پردازش نموده ایم.

برای بررسی اهمیت و سهم منابع مختلف درآمدهای بخش های عمومی در رشد اقتصادی کشور، در این تحقیق سهم هر یک از انواع درآمدهای عمومی دولت به صورت جداگانه بررسی شده است.

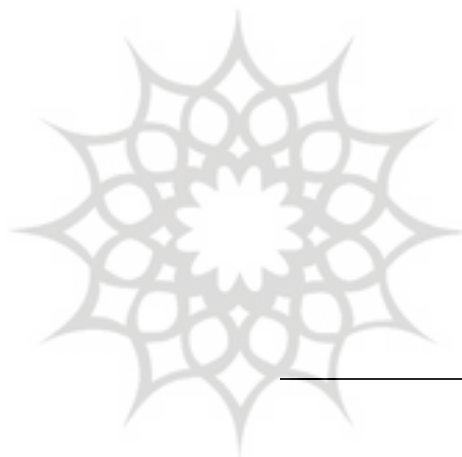
۱- کل درآمدهای عمومی دولت (*TR*)

۲- کل درآمدهای مالیاتی (*TTR*)

۳- درآمد مربوط به نفت و گاز (*OIR*)

۴- سایر درآمدهای عمومی غیر از نفت و گاز و مالیاتها (*SRG*)

اطلاعات مربوط به متغیرهای یاد شده و تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۰ در جدول (۱) نشان داده شده است. همچنین برای بررسی اهمیت نسبی هر یک از این منابع، جدول (۲) بر اساس اطلاعات جدول (۱) محاسبه شده است. همان‌طور که از ارقام این جداول مشاهده می‌شود، سهم مالیات‌ها در تولید ناخالص داخل رقم بسیار ناچیزی را تشکیل می‌دهد، به‌طوری که این رقم در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۰ بین ۱۷ صدم درصد تا ۲۱ درصد در نوسان بوده است.^{۲۰} در مقابل، سهم مخارج دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی با وجودی که در فاصله‌ی سال‌های فوق رو به کاهش بوده است، ولی باید گفت که این نسبت همواره از سهم مالیات‌ها در تولید ناخالص داخلی بیشتر بوده است.



جدول ۱: درآمدهای دولت طی ۱۳۸۳-۱۳۵۰ به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ (میلیارد ریال)

سال	درآمدهای مالیاتی (TTR)	درآمدهای نفتی (OIR)	تولید ملی (GDP)	مخارج جاری دولت (G1)	مخارج عمرانی (G2)	سایر درآمدهای دولت (SG3)
۱۳۵۰	۸۲/۲	۱۵۵/۳	۱۳۹۲۷۸	۱۹۹/۴	۱۱۶	۲۰/۸
۱۳۵۱	۱۰۲/۶	۱۷۸/۲	۱۶۲۵۵۷	۲۶۹/۷	۱۳۱/۸	۲۱/۳
۱۳۵۲	۱۳۱/۲	۳۱۱/۳	۱۷۴۶۶۸	۳۷۰/۲	۱۶۱/۲	۲۲/۵
۱۳۵۳	۱۵۷/۸	۱۲۰۵/۲	۱۹۶۵۸۱	۸۲۵/۷	۳۴۸/۷	۳۱/۹
۱۳۵۴	۲۷۰/۸	۱۲۴۶/۸	۲۰۶۱۱۴	۹۶۹/۴	۵۲۶/۹	۶۴/۵
۱۳۵۵	۳۴۲/۸	۱۳۲۹	۲۴۲۳۲۶	۱۰۸۳/۸	۵۹۱/۶	۷۲
۱۳۵۶	۴۴۲/۶	۱۵۹۰/۳	۲۳۶۶۴۵	۱۲۴۸/۱	۹۲۶/۸	۹۲/۸
۱۳۵۷	۴۶۵/۹	۱۰۱۳/۲	۲۱۹۱۹۱	۱۳۸۷/۱	۶۵۷/۱	۲۲۰/۲
۱۳۵۸	۳۶۸/۳	۱۲۱۹/۷	۲۰۹۹۱۹	۱۴۹۴/۹	۵۲۳/۳	۲۰۳/۸
۱۳۵۹	۳۴۰/۴	۸۸۸/۸	۱۷۸۱۴۹	۱۶۸۱/۲	۵۶۸/۱	۱۱۹/۵
۱۳۶۰	۵۵۴/۱	۱۰۵۶/۴	۱۷۰۲۸۱	۲۰۳۲/۴	۶۷۴/۷	۲۱۰/۹
۱۳۶۱	۶۱۳/۹	۱۶۸۹/۵	۱۹۱۶۶۷	۲۲۵۱/۵	۹۱۴/۸	۲۱۴/۳
۱۳۶۲	۷۹۶/۵	۱۷۷۹/۴	۲۱۲۸۷۶	۲۵۲۳/۱	۱۱۴۸/۵	۲۱۸/۴
۱۳۶۳	۸۹۸/۷	۱۳۷۳/۲	۲۰۸۵۱۶	۲۴۷۵/۶	۸۷۸	۴۵۴/۷
۱۳۶۴	۱۰۳۲/۷	۱۱۸۸/۷	۲۱۲۶۸۶	۲۵۷۱/۹	۷۷۸/۸	۴۶۹
۱۳۶۵	۱۰۲۴/۶	۴۱۶/۸	۱۹۳۲۳۵	۲۴۱۰/۳	۷۴۶/۵	۳۴۰/۵
۱۳۶۶	۱۰۳۰/۲	۷۶۶/۲	۱۹۱۳۱۲	۲۹۱۱/۴	۷۲۹/۲	۴۱۴/۴
۱۳۶۷	۹۸۶/۵	۶۶۷/۹	۱۸۰۸۲۳	۳۳۹۴/۲	۸۱۶/۴	۴۴۴/۵
۱۳۶۸	۱۱۸۷/۹	۷۷۰/۸	۱۹۱۵۰۳	۳۳۸۵/۲	۹۳۱/۵	۱۲۲۲/۷
۱۳۶۹	۱۶۹۵	۱۱۱۸/۳	۲۱۸۵۳۹	۴۲۸۴/۸	۱۷۶۶/۳	۲۸۲۵/۲
۱۳۷۰	۲۷۶۵	۱۰۳۸/۷	۲۴۵۰۳۶	۵۵۸۴	۲۵۳۷/۹	۳۱۹۹/۷
۱۳۷۱	۳۷۷۲/۴	۵۱۴۱/۳	۲۵۴۸۲۳	۷۷۸۳/۶	۳۱۹۲/۸	۱۰۴۴/۹
۱۳۷۲	۴۰۶۱/۳	۱۴۶۸۳/۲	۲۵۸۶۰۱	۱۳۶۵۵	۷۲۳۲	۱۶۱۴/۳
۱۳۷۳	۵۴۹۱	۳۱۴۸۰	۲۵۹۸۷۶	۲۰۰۱۰	۹۵۸۳/۷	۲۳۵۸/۵
۱۳۷۴	۷۳۱۳	۲۹۴۳۱	۲۶۷۵۲۴	۲۸۷۸۹/۳	۱۳۱۷۲/۷	۵۱۰۶/۴
۱۳۷۵	۱۲۵۶۰	۳۸۱۵۳	۲۸۳۸۰۷	۳۷۸۰۴	۲۰۰۷۳/۵	۶۶۳۰
۱۳۷۶	۱۷۳۴۴/۶	۳۶۴۴۶/۶	۲۹۱۷۶۹	۴۴۹۶۷	۲۰۴۷۱	۱۱۲۸۲/۳
۱۳۷۷	۱۸۶۸۶/۶	۲۸۱۹۰	۳۰۰۱۴۰	۵۳۵۴۵/۷	۱۷۴۲۴/۷	۱۷۴۸۲
۱۳۷۸	۲۵۸۳۱/۴	۴۴۴۸۷/۶	۳۰۴۹۴۱	۶۸۳۱۹/۳	۲۵۰۲۳/۶	۲۴۲۵۲/۶
۱۳۷۹	۳۲۸۴۲	۵۹۴۴۹	۳۲۰۰۶۹	۸۲۶۰۵/۸	۲۵۷۱۰/۲	۱۴۷۲۸
۱۳۸۰	۴۵۳۸۸/۶	۶۹۸۰۸/۴	۳۳۰۵۶۵	۱۰۰۹۱۸/۲	۲۷۹۴۱/۴	۲۴۷۱۲/۹
۱۳۸۱	۵۰۶۰۲	۱۰۱۳۷۴/۴	۳۵۵۳۵۰	۱۴۸۲۸۹	۳۷۲۱۲/۵	۱۱۳۹۶
۱۳۸۲	۶۵۰۹۹	۱۲۸۱۵۳/۹	۳۷۹۰۱۰	۱۷۸۲۵۵/۲	۶۰۹۸۲/۹	۱۳۷۹۷/۶
۱۳۸۳	۸۴۴۲۱/۱	۱۵۰۴۱۳/۳	۳۹۷۳۰۴	۲۳۱۹۲۳/۱	۶۳۹۳۰/۱	۱۹۱۶۶/۲

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی، سالنامه آماری ۱۳۸۳

جدول ۲: سهم مالیات از مخارج و تولید ملی طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۰

سال	نسبت مالیات به مخارج جاری دولت (T/G1)	نسبت مالیاتها به کل مخارج (T/G1+G2)	نسبت مالیاتها به تولید ملی (T/GDP)	نسبت مالیاتها به درآمدهای نفتی (T/OIR)
۱۳۵۰	۰/ ۴۱۲۲۳۷	۰/ ۲۶۰۶۲۱	۰/ ۰۰۰۵۹	۰/ ۵۲۹۲۹۸
۱۳۵۱	۰/ ۳۸۰۴۲۳	۰/ ۲۵۵۵۴۲	۰/ ۰۰۰۶۳۱	۰/ ۵۷۵۷۵۸
۱۳۵۲	۰/ ۳۵۴۴۰۳	۰/ ۲۴۶۸۹۵	۰/ ۰۰۰۷۵۱	۰/ ۴۲۱۴۵۸
۱۳۵۳	۰/ ۱۹۱۱۱۱	۰/ ۱۳۴۳۶۶	۰/ ۰۰۰۸۰۳	۰/ ۱۳۰۹۳۳
۱۳۵۴	۰/ ۲۷۹۳۴۸	۰/ ۱۸۰۹۸	۰/ ۰۰۱۳۱۴	۰/ ۲۱۷۱۹۶
۱۳۵۵	۰/ ۳۱۶۲۹۵	۰/ ۲۰۴۶۰۸	۰/ ۰۰۱۴۱۵	۰/ ۲۵۷۹۳۸
۱۳۵۶	۰/ ۳۵۵۴۲	۰/ ۲۰۳۹۶۳	۰/ ۰۰۱۸۷۵	۰/ ۲۷۸۹۴۱
۱۳۵۷	۰/ ۳۳۵۸۸۱	۰/ ۲۲۷۹۱۳	۰/ ۰۰۲۱۲۶	۰/ ۴۵۹۸۳
۱۳۵۸	۰/ ۲۴۶۳۷۱	۰/ ۱۸۲۴۸۹	۰/ ۰۰۱۷۵۴	۰/ ۳۰۱۹۵۹
۱۳۵۹	۰/ ۲۰۲۴۷۴	۰/ ۱۵۱۳۳۶	۰/ ۰۰۱۹۱۱	۰/ ۳۸۲۹۸۸
۱۳۶۰	۰/ ۲۷۲۶۳۳	۰/ ۲۰۴۶۸۴	۰/ ۰۰۲۲۵۴	۰/ ۵۲۴۵۱۷
۱۳۶۱	۰/ ۲۷۲۶۶۳	۰/ ۱۹۳۸۸۶	۰/ ۰۰۳۲۰۳	۰/ ۳۶۳۳۶۲
۱۳۶۲	۰/ ۳۱۵۶۸۳	۰/ ۲۱۶۹۳۵	۰/ ۰۰۳۷۴۲	۰/ ۴۴۷۶۲۳
۱۳۶۳	۰/ ۳۶۳۰۲۳	۰/ ۲۶۷۹۸۱	۰/ ۰۰۴۳۱	۰/ ۶۵۴۴۵۷
۱۳۶۴	۰/ ۴۰۱۹۳۱	۰/ ۳۰۸۵۰۳	۰/ ۰۰۴۸۶	۰/ ۸۶۹۶۰۵
۱۳۶۵	۰/ ۴۲۵۰۹۲	۰/ ۳۲۴۵۶۹	۰/ ۰۰۵۳۰۲	۲/ ۴۵۸۲۵۳
۱۳۶۶	۰/ ۳۵۳۸۵	۰/ ۲۸۲۹۷۵	۰/ ۰۰۵۳۸۵	۱/ ۳۴۴۵۵۸
۱۳۶۷	۰/ ۲۹۰۶۴۳	۰/ ۲۳۴۲۹	۰/ ۰۰۵۴۵۶	۱/ ۴۷۷۰۱۸
۱۳۶۸	۰/ ۳۵۰۹۱	۰/ ۲۷۵۱۸۷	۰/ ۰۰۶۲۰۳	۱/ ۵۴۱۱۲۶
۱۳۶۹	۰/ ۳۹۵۵۸۴	۰/ ۲۸۰۱۱۴	۰/ ۰۰۷۷۵۶	۱/ ۵۱۵۶۹۳
۱۳۷۰	۰/ ۴۹۵۱۶۵	۰/ ۳۴۰۴۳۸	۰/ ۰۰۱۱۲۸۴	۲/ ۶۶۱۹۸۱
۱۳۷۱	۰/ ۴۸۴۷۸۹	۰/ ۳۴۳۷۷۴	۰/ ۰۰۱۴۸۰۸	۰/ ۷۳۳۹۳۹
۱۳۷۲	۰/ ۲۹۷۴۲۲	۰/ ۱۹۴۴۴۲	۰/ ۰۰۱۵۷۰۵	۰/ ۲۷۶۵۹۵
۱۳۷۳	۰/ ۲۷۴۴۱۳	۰/ ۱۸۵۵۴۶	۰/ ۰۰۲۱۱۲۹	۰/ ۲۵۵۶۳۳
۱۳۷۴	۰/ ۲۵۴۰۱۸	۰/ ۱۷۴۲۷۷	۰/ ۰۰۲۳۳۵	۰/ ۲۴۸۴۷۹
۱۳۷۵	۰/ ۳۳۲۲۴	۰/ ۲۱۷۰۱	۰/ ۰۰۴۲۵۵	۰/ ۳۲۹۲۰۱
۱۳۷۶	۰/ ۳۸۵۷۱۸	۰/ ۲۶۵۰۵۴	۰/ ۰۰۵۹۴۶	۰/ ۴۷۵۸۹۱
۱۳۷۷	۰/ ۳۴۸۹۸۴	۰/ ۲۶۳۳۰۱	۰/ ۰۰۶۲۲۶	۰/ ۶۶۲۸۸
۱۳۷۸	۰/ ۳۷۸۶۵۲	۰/ ۲۷۷۰۳۳	۰/ ۰۰۸۴۷۱	۰/ ۵۸۰۶۴۳
۱۳۷۹	۰/ ۳۹۷۵۷۵	۰/ ۳۰۳۲۰۵	۰/ ۰۰۲۶۰۹	۰/ ۵۵۲۴۴
۱۳۸۰	۰/ ۴۴۹۷۵۶	۰/ ۳۵۲۲۳۳	۰/ ۰۰۱۳۷۳۰۶	۰/ ۶۵۰۱۸۸
۱۳۸۱	۰/ ۳۴۱۲۳۹	۰/ ۲۷۲۷۸۵	۰/ ۰۰۱۴۲۴	۰/ ۴۹۹۱۶
۱۳۸۲	۰/ ۳۶۵۲۰۱	۰/ ۲۷۲۱۱	۰/ ۰۰۱۷۱۷۶۱	۰/ ۵۰۷۹۷۵
۱۳۸۳	۰/ ۳۶۴۰۰۵	۰/ ۲۸۵۳۴۸	۰/ ۰۰۲۱۴۸۵	۰/ ۵۶۱۲۶۱

ماخذ: برآورد محققان

اطلاعات آماری یاد شده نشان می‌دهند که به علت پایین بودن سهم مالیاتها در تامین مالی مخارج دولت از یک طرف و کافی نبودن درآمدهای غیر

مالیاتی از طرف دیگر، دولت در سال‌های مختلف با کسری بودجه مواجه بوده است. وجود این کسری بودجه در یک دوره دراز مدت و راه‌های تامین مالی آن که عمدتاً در اقتصاد ایران از طریق استقراض از بانک مرکزی بوده است، می‌تواند به عنوان یکی از دلایل تشدید تورم در سال‌های اخیر تلقی شود.

۵- برآورد کشش‌ها

با استفاده از اطلاعات موجود در جدول (۱) و با توجه به الگوی رگرسیون، کشش منابع درآمدهای عمومی نسبت به تولید ناخالص داخلی برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۰ برآورد شده است. نتایج به‌دست آمده همراه با ارقام مربوط به R^2 و t و DW در جداول زیر نشان داده شده است. البته در الگوی نهایی، اثر افزایش درآمدهای دولت بر افزایش تولید ملی در طی سال‌های مورد نظر بررسی شده است. متغیرهای دامی مربوط به انقلاب و قبل از آن، جنگ تحمیلی و قبل از آن، برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی اول، دوم و سوم نیز پردازش شده است.

جدول ۳: برآورد کشش درآمدهای عمومی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی ۱۳۸۳-۱۳۵۰

R^2	DW	t	تخمین کشش (β)	C	منابع درآمدهای دولت
۰/۹۸	۱/۵۰۵	۱۰/۲۹۳	۴/۷۹۲	-۵۱/۵۴	کل درآمدهای عمومی دولت
-	-	۰/۶۳۹	۰/۰۱۳	-	انقلاب اسلامی و قبل از انقلاب ($GDP_t = D_1 * \ln GDP$)
-	-	۳/۳۹۵	۰/۰۶۹	-	جنگ تحمیلی و قبل از جنگ ($GDP_t = D_2 * \ln GDP$)
-	-	۱/۲۰۸	۰/۰۱۸	-	برنامه توسعه اقتصادی اول ($GDP_t = D_3 * \ln GDP$)
-	-	۵/۰۸۱	۰/۱۰۱	-	برنامه توسعه اقتصادی دوم ($GDP_t = D_4 * \ln GDP$)
-	-	۳/۸۴۶	۰/۰۹۷	-	برنامه توسعه اقتصادی سوم ($GDP_t = D_5 * \ln GDP$)

ماخذ: نتایج تحقیق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جدول ۴: برآورد کشتش درآمدهای عمومی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی ۱۳۸۳-۱۳۵۰

R ²	DW	t	تخمین کشتش (β)	C	منابع درآمدهای دولت
۰/۹۹	۱/۳۵۱	۱۲/۰۲۰	۵/۰۵۳	-۵۴/۶۷	کل درآمدهای عمومی دولت
-	-	۷/۵۵۶	۰/۰۸۵	-	جنگ تحمیلی و قبل از جنگ (GDP _t = D _t * Ln GDP)
-	-	۵/۱۴۸	۰/۰۸۷	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی دوم (GDP _t = D _t * Ln GDP)
-	-	۳/۷۱۳	۰/۰۸۰	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی سوم (GDP _t = D _t * Ln GDP)

ماخذ: نتایج تحقیق

جدول ۵: برآورد کشتش درآمدهای عمومی دولت نسبت به درآمدهای مالیاتی ۱۳۸۳-۱۳۵۰

R ²	DW	t	تخمین کشتش (β)	C	منابع درآمدهای دولت
۰/۹۸	۱/۰۴۶	۹/۹۴۷	۱/۲۰۶	۰/۴۵	کل درآمدهای عمومی دولت
-	-	-۰/۹۸۶	-۰/۰۴۲	-	انقلاب اسلامی و قبل از انقلاب (TTR _t = D _t * Ln TTR)
-	-	-۱/۷۰۸	-۰/۰۶۸	-	جنگ تحمیلی و قبل از جنگ (TTR _t = D _t * Ln TTR)
-	-	-۲۷۸/۲۷۸	-۰/۰۰۷	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی اول (TTR _t = D _t * Ln TTR)
-	-	۰/۱۴۵	۰/۰۰۵	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی دوم (TTR _t = D _t * Ln TTR)
-	-	-۰/۸۲۸	-۰/۰۳۲	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی سوم (TTR _t = D _t * Ln TTR)

ماخذ: نتایج تحقیق

جدول ۶: برآورد کشتش درآمدهای عمومی دولت نسبت به درآمدهای مالیاتی ۱۳۸۳-۱۳۵۰

R ²	DW	t	تخمین کشتش (β)	C	منابع درآمدهای دولت
۰/۹۸	۰/۹۰۳	۲۰/۴۵۳	۱/۱۲۳	۰/۸۴	کل درآمدهای عمومی دولت
-	-	-۲/۹۹۵	-۰/۰۸۲	-	جنگ تحمیلی و قبل از جنگ (TTR _t = D _t * Ln TTR)

ماخذ: نتایج تحقیق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جدول ۷: برآورد کشتش درآمدهای عمومی دولت نسبت به درآمدهای نفتی ۱۳۸۳-۱۳۵۰

R ²	DW	t	تخمین کشتش (β)	C	منابع درآمدهای دولت
۰/۹۸	۱/۳۰۸	۱۰/۰۱۶	۰/۶۵۱	۲/۶۱	کل درآمدها عمومی دولت
-	-	۱/۲۸۸	۰/۰۴۲	-	انقلاب اسلامی و قبل از انقلاب (OIR _۱ = D _۱ * Ln OIR)
-	-	۱/۱۵۵	۰/۰۴۷	-	جنگ تحمیلی و قبل از جنگ (OIR _۲ = D _۲ * Ln OIR)
-	-	۳/۴۶۸	۰/۰۷۰	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی اول (OIR _۳ = D _۳ * Ln OIR)
-	-	۲/۸۱۷	۰/۰۶۷	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی دوم (OIR _۴ = D _۴ * Ln OIR)
-	-	۳/۱۴۱	۰/۰۸۱	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی سوم (OIR _۵ = D _۵ * Ln OIR)

ماخذ: نتایج تحقیق

جدول ۸: برآورد کشتش درآمدهای عمومی دولت نسبت به درآمدهای نفتی ۱۳۸۳-۱۳۵۰

R ²	DW	t	تخمین کشتش (β)	C	منابع درآمدهای دولت
۰/۹۷	۰/۹۶۹	۱۱/۳۲۱	۰/۷۸۷	۲/۰۴	کل درآمدها عمومی دولت
-	-	۳/۹۶۲	۰/۰۹۵	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی اول (OIR _۱ = D _۱ * Ln OIR)
-	-	۲/۵۳۸	۰/۰۷۴	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی دوم (OIR _۲ = D _۲ * Ln OIR)
-	-	۲/۶۲۳	۰/۰۸۳	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی سوم (OIR _۳ = D _۳ * Ln OIR)

ماخذ: نتایج تحقیق

جدول ۹: برآورد کشش درآمدهای عمومی دولت نسبت به سایر درآمدها ۱۳۸۳-۱۳۵۰

R ²	DW	t	تخمین کشش (β)	C	منابع درآمدهای دولت
۰/۹۵	۰/۷۶۹	۴/۸۹۶	۱/۰۴۷	۲/۹۲۱	کل درآمدهای عمومی دولت
-	-	-۱/۹۴۶	-۰/۱۹۸	-	انقلاب اسلامی و قبل از انقلاب (SRG _t = D _۱ * Ln SRG)
-	-	۰/۰۸۱	۰/۰۰۵	-	جنگ تحمیلی و قبل از جنگ (SRG _t = D _۲ * Ln SRG)
-	-	-۱/۱۵۸	-۰/۰۵۴	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی اول (SRG _t = D _۳ * Ln SRG)
-	-	۰/۲۸۴	۰/۰۱۷	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی دوم (SRG _t = D _۴ * Ln SRG)
-	-	۱/۳۹۴	۰/۰۸۵	-	برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی سوم (SRG _t = D _۵ * Ln SRG)

ماخذ: نتایج تحقیق

جدول ۱۰: برآورد کشش درآمدهای عمومی دولت نسبت به سایر درآمدها ۱۳۸۳-۱۳۵۰

R ²	DW	t	تخمین کشش (β)	C	منابع درآمدهای دولت
۰/۹۳	۰/۶۸۵	۹/۸۰۴	۱/۲۴۴	۲/۱۸	کل درآمدهای عمومی دولت
-	-	-۳/۳۴۲	-۰/۲۷۶	-	انقلاب اسلامی و قبل از انقلاب (SRG _t = D _۱ * Ln SRG)

ماخذ: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده در ارتباط با کشش منابع مختلف درآمدهای عمومی دولت که در جداول فوق نشان داده شده است، می‌توان نقش و اهمیت انواع مختلف منابع عمومی دولت و مخصوصاً مالیات‌ها را به عنوان منابع داخلی در تامین و تداوم رشد اقتصادی کشور در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۰، مشاهده کرد.

۶- نتایج الگوی اقتصادسنجی

در مقاله‌ی حاضر سعی بر آن است که با استفاده از برآورد الگوهای اقتصادسنجی به تفسیر و بررسی کشش انواع درآمدهای دولت نسبت به رشد اقتصادی بپردازیم. در خصوص برآورد الگوهای اقتصادسنجی، ضمن بررسی و بهره‌گیری از تئوری‌های مربوط به رشد تولید ناخالص، همچنین تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی

علل رشد تولید ملی در کشورهای مختلف جهان، متغیرهای منحصر به فردی را که در کشور ایران از علل افزایش رشد اقتصادی می‌باشد، لحاظ می‌کنیم. به عبارت دیگر، ضمن لحاظ کردن متغیرهای فراگیر در زمینه‌ی ازدیاد درآمدهای دولت در الگوهای اقتصاد سنجی، به بررسی منابع درآمدی دولت و موثر در افزایش رشد اقتصادی که خاص کشور ایران طی دوره‌ی مورد بررسی می‌باشد، می‌پردازیم. در ضمن برای بررسی بیشتر متغیرهای دامی بمانند انقلاب اسلامی (D_1)، جنگ تحمیلی (D_2)، برنامه‌های توسعه‌ی اول (D_3)، دوم (D_4) و توسعه‌ی اقتصادی سوم (D_5) استفاده شده است.

حدود بررسی زمانی در این مقاله مربوط به سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۵۰) می‌باشد که در برآورد مدل‌ها، از اطلاعات این دوره استفاده شده است. به اقتضای دسترسی به آمار و اطلاعات، مجبور به انتخاب این دوره‌ی زمانی برای الگوی اقتصاد سنجی شده‌ایم. در برآورد الگوهای اقتصاد سنجی از بسته‌ی نرم افزاری (Eviews) و روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است.

۶-۱- کل درآمدهای عمومی

در ابتدا ممکن است این فرضیه در مورد کشورهای در حال توسعه مد نظر قرار گیرد که کشش کل درآمدهای عمومی نسبت به تولید ناخالص داخلی بزرگتر از یک می‌باشد؛ زیرا این کشورها برای دستیابی به رشد سریع اقتصادی و تداوم آن لازم است از منابع بخش عمومی به صورت قابل توجهی استفاده نمایند. نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که در کشور ما چنین وضعیتی در دوره‌ی زمانی مورد بررسی با توجه به به کارگیری منابع ملی توسط دولت و افزایش فعالیت‌های عمرانی دولت در طی سه برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی گذشته و شروع برنامه‌ی چهارم، رشد منابع بخش عمومی اثر مثبت و موثری بر میزان افزایش تولید ملی داشته است. برآورد کشش این متغیر نسبت به تولید ناخالص داخلی برابر با ۴/۷۹ درصد است و نشان می‌دهد که منابع بخش عمومی به صورت قابل توجهی توانسته است همگام با رشد تولید ناخالص داخلی افزایش یابد، درصد تغییرات کل درآمدهای عمومی به مراتب بالاتر از نرخ تغییرات تولید ناخالص داخلی در این سال‌ها بوده است. بنابراین، می‌توان گفت در دوره‌ی مورد بررسی منابع بخش

²¹ Ordinary Least Squares (O. L. S)

عمومی در مجموع در اقتصاد ایران توانسته است در تامین و تداوم رشد اقتصادی کشور نقشی اساسی داشته باشد. متغیرهای دامی را برای بررسی بیشتر کشش آنها در الگو وارد کرده‌ایم. همان طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، فقط در برنامه‌ی دوم و سوم توسعه‌ی اقتصادی کشش بزرگتر از یک می‌باشد.

۶-۱- کل درآمدهای مالیاتی

همان طوری که از ارقام موجود در جدول (۲) مشاهده می‌شود، یکی از مشخصات اصلی بخش عمومی در اقتصاد ایران پایین بودن نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است. در دوره‌ی مورد بررسی ارقام جدول فوق نشان می‌دهند که این نسبت در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۰ به‌طور متوسط ۰/۰۴۳ درصد بوده است که این رقم حتی در میان کشورهای در حال توسعه یکی از پایین‌ترین ارقام را تشکیل می‌دهد. در اقتصاد ایران سهم مالیات‌ها به تولید ملی در طی سال‌های اخیر بسیار ناچیز بوده است و این روند هم چنان ادامه دارد. سهم مالیات‌ها نسبت به مخارج جاری دولت طی ۵۰ سال گذشته همچنان کمتر از ۵۰ درصد می‌باشد و این مهم برای اقتصاد کشور و تامین مخارج دولت از طریق منابع مالیاتی بسیار نگران کننده است.^{۲۲} بر اساس نتایج به‌دست آمده در جدول (۵)، کشش درآمدهای عمومی به درآمدهای مالیاتی در طی دوره‌ی مورد بررسی ۱/۱۲ درصد بوده و معنی دار است. متغیرهای دامی در این الگو بی‌معنی بوده‌اند و آنها را حذف نموده‌ایم. برای بعد از جنگ تحمیلی نیز کشش کمتر از یک می‌باشد.

۶-۳- درآمد نفت و گاز

ارقام موجود در جدول (۲) نشان می‌دهد که سهم درآمد نفت و گاز نسبت به کل درآمدهای عمومی در دوره‌ی مورد بررسی، به علت نوسان شدید قیمت نفت، همواره از فراز و نشیب برخوردار بوده و در سال‌های اخیر با افزایش قابل قبولی مواجه بوده است. نتایج الگو در جدول (۷) نشان می‌دهد که کشش درآمدهای نفتی به تولید ملی برابر با ۰/۷۸ درصد است که کمتر از یک می‌باشد. متغیرهای دامی به کار گرفته شده در این الگو بی‌کشش بوده است.

۶-۴- سایر درآمدهای عمومی

نتایج به دست آمده در رابطه با سایر درآمدهای عمومی دولت نشان می‌دهد که این متغیر و با کشش است در حقیقت یکی از منابع سهم درآمدی دولت در دوره‌ی زمانی مورد بررسی است و رشد سریع‌تری نسبت به سایر اجزای درآمدی دولت داشته و اثر مثبت و معنی‌داری در اقتصاد داشته است. در جدول (۹) کشش سایر درآمدهای دولت نسبت به درآمدهای عمومی دولت در اقتصاد ملی ارائه شده است. کشش متغیر دامی برای انقلاب و قبل از آن و برای برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی اول، دوم و سوم بیشتر از یک و معنی دار هستند، اما برای جنگ تحمیلی متغیر دامی معنی دار نیست.

ارقام موجود در جدول (۲) نیز نشان می‌دهند که سهم این نوع منبع درآمد، در سال‌های اخیر از افزایش قابل توجهی برخوردار بوده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این منبع درآمدی از کشش پذیری بالایی برخوردار است و می‌تواند به عنوان یکی از منابع مهم داخلی برای تداوم رشد اقتصادی تلقی شود. دولت باید در طی برنامه‌ی چهارم توسعه و چشم انداز بیست ساله‌ی کشور با توجه به اهمیت این نوع درآمدها سیاست خود را طوری تعیین کند که این نوع درآمدها در راستای افزایش تولید ملی قرار گیرد.

۷- خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهادها

ملاحظه‌ی واقعیت‌های اقتصاد ایران بیانگر نقش وابستگی میزان تولید ملی کشور به درآمدهای نفتی در اقتصاد است. در سه دهه‌ی اخیر درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت با وجود ظهور شوک‌های مختلف اقتصادی و سیاسی در بازار جهانی، پیروزی انقلاب اسلامی، بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و جنگ خلیج فارس موسوم به جنگ نفت، حمله‌ی آمریکا به عراق و بی‌ثباتی در نظام‌های سیاسی در کشورهای خاورمیانه مساله‌ی هسته‌ای ایران و نظایر اینها همواره بخش غالب و عمده‌ی درآمدهای ارزی کشور را تشکیل داده است. طی سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۵۰) هم درآمدهای نفتی در روند بودجه‌ی کشور افزایش یافته و اقتصاد ملی همیشه این وابستگی به منابع درآمدی از محل صادرات نفت را حفظ کرده است. در مجموع با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق، می‌توان گفت در اقتصاد ایران منابع درآمدهای بخش عمومی و سایر درآمدهای دولت توانسته‌اند

خود را با آهنگ رشد تولید ناخالص داخلی در سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۵۰) هماهنگ کند.^{۲۳}

می‌توان گفت در مجموع شاید مهمترین منبع داخلی که در تامین و تداوم رشد اقتصادی سال‌های مورد نظر توانسته است مورد توجه دولت قرار گیرد، درآمدهای نفتی و سایر درآمدهای دولت است. البته وابستگی دولت به استقراض از بانک مرکزی برای تامین و تداوم رشد اقتصادی توانسته است فقط از طریق تشدید فشارهای تورمی در افزایش رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری سهمیم باشد؛ زیرا ارقام تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در سال‌های اخیر با نوسان همراه بوده است. با توجه به سهم پایین مالیات‌ها در اقتصاد ملی، اصلاح و تجدید نظر در نظام مالیاتی کشور امری اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. بنابراین، لازم است دولت با یک برنامه ریزی صحیح در این رابطه و تاکید بیشتر بر مخارج سرمایه گذاری، وابستگی شدید خود به استقراض از بانک مرکزی را که به اشتباه برای دولت همواره به عنوان درآمد عادی تلقی شده است، تخفیف دهد. استفاده از سیستم مالیات بر ارزش افزوده که قرار بوده در طول برنامه‌ی چهارم توسعه در اقتصاد ایران به کار رود، می‌تواند به عنوان یک ابزار مالی مناسب در بالا بردن نقش و سهم مالیات‌ها در تامین مالی مخارج دولت استفاده شود. بهر حال نتیجه‌ی تحقیق حاضر نشان می‌دهد که قدرت جمع آوری و اهمیت مالیات‌ها در تامین مالی مخارج دولت و منابع داخلی برای تامین رشد اقتصادی بسیار ناچیز بوده است. اگر برنامه‌های صحیح مالیاتی در طول برنامه‌ی چهارم توسعه و چشم انداز بیست ساله‌ی کشور با موفقیت صورت پذیرند، به‌طوری که نقش این منبع داخلی در رشد اقتصادی بیشتر شود، در آینده شاهد افزایش میزان مالیات‌ها نسبت به تولید ناخالص داخلی خواهیم بود.

ادبیات اقتصاد در زمینه‌های کلان و توسعه، سرشار از مفاهیم ثبات اقتصادی است که توجه و تمرکز آن کاهش نوسانات رشد و فراهم کردن زمینه‌های پایداری

آن است. روند رشد تولید ناخالص داخلی کشورمان بیانگر ناپایداری شدید رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر است. شدت دامنه‌ی نوسانات نرخ رشد به حدی است که از ۱۷ درصد مثبت تا ۱۵ درصد منفی را شامل می‌شود. متأسفانه با وجود گذشت قریب ۵ دهه و ایجاد تغییرات وسیع ساختاری و نهادی، بروز انقلاب اسلامی و همچنین تأکید همه‌ی برنامه‌های کلان قبل و بعد از انقلاب به کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، این روند ادامه یافته و ابعاد آن در اندازه‌ی دولت و افزایش مخارج جاری وسیعتر شده است.

در سال‌های اخیر در چارچوب برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹) به منظور جلوگیری از ورود مستقیم شوک‌های نفتی به اقتصاد کشور و نیز رفع مشکلات و چالش‌های پیش گفته، رویکرد جدیدی به وجود آمد و در این راستا حساب ذخیره در قالب ماده‌ی ۶۰ قانون برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم مورد پذیرش و تصویب قرار گرفت. به موجب این قانون، دولت مکلف شد از سال ۱۳۸۰ مازاد درآمدهای ارزی حاصل از نفت خام در پایان هر سال نسبت به ارقام پیش بینی شده در قانون برنامه را در حساب ذخیره‌ی ارزی حاصل از درآمد نفت خام نزد بانک مرکزی نگهداری کند. بر اساس این قانون، استفاده از وجوه این حساب برای تامین هزینه‌های بودجه‌ی عمومی فقط در صورت کاهش درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خام نسبت به رقم مصوب و عدم امکان تامین اعتبارات مصوب از سایر منابع، مجاز خواهد بود و استفاده از آن برای تامین کسری ناشی از درآمدهای غیرنفتی بودجه‌ی عمومی، ممنوع است. درآمد مازاد بر سقف درآمد ارزی حاصل از صدور نفت خام در سال‌های ۱۳۸۳ - ۱۳۷۹ باید با کارکرد ماده‌ی ۶۰ به حساب ذخیره‌ی ارزی و ریالی منتقل می‌شد. در این سال‌ها سقف درآمدهای ارزی نفت خام نسبت به پیش بینی‌های اولیه به‌طور وسیعی افزایش یافته است. این سقف در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۱ معادل ۱۷/۸ درصد، در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۲ بالغ بر ۳۳ درصد و در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۳ بالغ بر ۴۴ درصد نسبت به سقف‌های تعیین شده در پیوست‌های قانون برنامه‌ی سوم افزایش یافته است. مجموع افزایش سقف درآمدهای ارزی در سال‌های برنامه‌ی سوم، حدود ۱۳۴۳۴ میلیون دلار است که در صورت پایبندی به مصوبات اولیه‌ی برنامه‌ی سوم، این مبلغ نیز بایستی علاوه بر وجوه واریز شده‌ی فعلی به حساب ذخیره‌ی ارزی واریز می‌شد و در چارچوب کارکردهای تعریف شده آن مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در سال اول اجرای برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، ۱۳۸۴ سهم درآمدهای نفتی در بودجه‌ی کشور به ۵۶/۶ درصد رسید و در سال ۱۳۸۵ این سهم نیز بنا بر رشد چشمگیری که در بودجه‌ی کشور به وجود آمد، به شدت افزایش یافت و بودجه‌ی سال ۱۳۸۵ شاید اولین بودجه‌ی کشور باشد که وابستگی شدیدی به دلارهای نفتی دارد. با توجه به اهمیت درآمدهای نفتی و اثر این درآمدها در افزایش تولید و رشد اقتصادی و نظر به متکی بودن اقتصاد ملی بر منابع طبیعی بخصوص نفت، به منظور غلبه بر کمبودهای اقتصاد تک محصولی و جلوگیری از ورود سیستم شوک‌های نفتی و نوسانات برون‌زا و نیز حفظ ثروت و منابع ملی با تاکید به حرکت به سوی توسعه‌ی پایدار، دولتمردان باید در راستای رسیدن به اهداف اقتصادی مورد نظر در برنامه‌ی چهارم و با تاکید بر چشم انداز بیست ساله‌ی کشور، اصلاحات ساختاری وسیعی را برای تامین منابع مالی بودجه‌ی کشور انجام دهند و از طریق تسهیل سایر درآمدها و منابع دیگر، نسبت به رفع بی ثباتی و کسری بودجه و تامین آن گام بردارند. اقتدار اقتصادی کشور در مقطع کنونی، حفظ حساب ذخیره‌ی ارزی به عنوان یک حساب پس انداز دولت در راستای ارتقای سرمایه گذاری و افزایش تولید است. بنابراین، دولت و مجلس بایستی با تاکید بر اقتدار سیاست‌های مالی به بررسی اثر منفی درآمدهای نفتی در اقتصاد ملی بپردازند و با دید حفظ منابع نسل‌های آتی در راستای وابستگی به درآمدهای نفتی تلاش و عنایت خاص داشته باشند.

فهرست منابع:

- الیاسی، حمید، "نقش دولت در اقتصاد"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال یازدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان، ۱۳۷۵، صص ۱۲۹-۱۲۲.
- تاری، فتح الله و نسرین، ارضرومچیلر، "بررسی نقش و تاثیر هزینه‌های آموزشی رسمی بر رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۴۲"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۱، ۱۳۸۱، صص ۹۵-۱۱۵.
- تفضلی، فریدون، اقتصاد کلان (نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی)، چاپ سیزدهم، انتشارات نی، تهران، ۱۳۸۱.
- پروین، سهیلا و محمدرضا قلی بگلو، "بررسی تاثیر روش‌های تامین مالی مخارج دولت بر متغیر کلان اقتصادی ایران"، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۲، ۱۳۸۱، صص ۴۳-۳.
- جعفری صمیمی، احمد، "بررسی اجمالی ۱۲ نظریه در زمینه رشد بخش عمومی در اقتصاد"، فصلنامه علمی کاربردی مدیریت دولتی، شماره بیست و دوم، پاییز، ۱۳۷۲، صص ۴۶-۵۶.
- جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی، چاپ هشتم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵.
- خلعتبری، فیروزه، "بررسی علل بزرگ شدن دولت‌ها"، مجله اقتصاد و مدیریت، دوره تحقیقات عالی دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۱۲، ۱۳۷۱، صص ۴۱-۲۳.
- دبیرخانه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی اقیانوس آرام، ۱۳۷۴.
- رمضانی، حسن، بررسی تاثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی: مورد ایران (۱۳۷۵-۱۳۵۰)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- زواشکیانی، مهستی، ارتباط رشد اقتصادی و بخش عمومی در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۱۳۷۴.
- شاه آبادی، ابوالفضل، "بررسی عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی ایران"، مفید، شماره ۲۷، سال ۱۳۷۹، صص ۱۹۹-۱۶۹.
- صیادزاده، علی، بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۳.
- عرب مازار، علی اکبر و محمد کارکن، "بررسی عدم تعادل بودجه دولت"، مجله اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲، صص ۸۴-۵۶.
- علوی، سید محمود، تدوین دلایل اقتصادی رشد مخارج دولت در ایران آزمون فرضیه واگنر، موسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی ایران، تهران، ۱۳۸۰.
- فرج وند، اسفند یار، فراگرد تنظیم تا کنترل بودجه، ویرایش دوم، انتشارات گلباد، تبریز، ۱۳۸۱.

کمیته اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه (ESCAP)، نظارت و مدیریت هزینه‌های دولتی: بحثها و تجربه‌های چند کشور آسیایی، ترجمه عزت ۰۰۱ شهیدا، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴.

لشکر بلوکی، صابر، بررسی اندازه دولت و حد مطلوب آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۱۳۷۶.

ماسگریو، ریچارد دوپگی، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی فر، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۰.

محنت فر، یوسف، "عوامل موثر بر افزایش هزینه‌های جاری دولت در ایران: ۱۳۸۰-۱۳۳۸"، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، شماره ۱۵، ۱۳۸۴، صص ۱۰۷-۷۹. مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری، ۱۳۸۲-۱۳۸۱.

میلرورائو، اقتصاد سنجی کاربردی، ترجمه حمید ابریشمی، موسسه تحقیقات پولی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۱.

Abizadeh, S. and M. Yosefi, "Growth of Government Expenditure: The Case of Canada", public finance quarterly, Vol. 16, No.1, 1988, pp. 78-100.

ALY, H., "Is Government Size Optimal in the Gulf Countries of the Middle East," J. E. T. 2000.

Bajo-Rublio, O., "A Further Generalization of the Solow Growth Model: The Role of the Public Sector," Economics Letters, Vol. 68, 2000, pp. 79-84.

Barro, R., "Human Capital and Economic Growth in Polities for Long-run Growth," Proceeding from Symposium Sponsored by Federal Reserve Bank of Kansas City, 1992.

Baumol, W. J., Business Behavior, Value and Growth, New York, Macmillan, 1959.

Blanchard, O. and R. Perotti, "An Empirical Characterization of the Dynamic Effects of Changes in Government Spending and Taxes on Output," NBER Working Paper, No. 7269, 1999.

Bose, N., Haque, M.E. and R.D. Osborn, "Public Expenditure and Economic Growth: A Disaggregated Analysis for Developing Countries," Center for Growth and Business Cycle Research Working papers, School of Economic Studies, University of Manchester (U.K), 2003.

Buchanan, J.M., Rent Seeking and Profit Seeking, Texas A and M University Press, 1980.

Devarajan, S., V. Swaroop and H.F. Zou, "The Composition of Public Expenditure and Economic Growth," Journal of Monetary Economics, Vol.37, No. 2, 1996, pp. 313-344.

- Floster, S. and M. Hensekson, "Growth Effects of Government Expenditure and Taxation in Rich Countries," *European Economic Review*, 2000, pp. 45-61.
- Gylfason, T., "Mother Earth: Allyation Reexamined," *Economic Inquiry*, 2002.
- Landau, D., "Government Expenditure and Economic Growth: A Cross - Country Study", *Southern Economic Journal*, Vol. 49, 1983, pp. 45-61.
- Lindauer, D.L., and A. Velenchik, "Government Spending in Developing Countries: Trends, Causes and Consequences", *The World Bank Research Observer*, Vol. 7, No. 1, 1992, pp. 59-78.
- Miller, S.M. and H. Ahmed, *Crowding - Out and Crowding - Effects of the Components of Government Expenditure*, Islamic Development Bank, 1999.
- Quang, D.M., "Determinants of Government Expenditure," *Oxford Bulletin of economics and statistics*, Vol. 57, No. 1, 1995, pp. 67-76.
- Rem, R., "Wagners Hypothesis in Time Series and Cross-Section Perspectives: Evidence from Real Data for 115 Countries," *Review of Economics and Statistics*, Vol. 67, 1978, pp. 194-204.
- Roubini, N. and X. Sala-i-Martin, "Financial Repression and Economic Growth," *Journal of Development Economics*, Vol. 39, No. 1, 1992, pp. 5-30.
- Scully, W.G., "What Is the Optimal Size of Government in the United state?," *NCPA Policy Report*, 1994.
- Sham bhat, K., "Political Economy of Pubic Expenditure and Tax Revenue in Indian," *The Indian Economic Journal*, Vol. 44, No. 1, 1997, pp. 108-119.
- Solow, R.M., "A Contribution to the Theory of Economic Growth," *Quarterly Journal of Economics*, Vol.70, No.1, 1956, pp. 65-94.
- Stauffer, T. R., "Oil Rich: Spend or Save? How Oil Countries Have Handled the Windfall," *Center for Contemporary Arab Studies Georgetown University Washington, D.C.* Prepared for Alaska Permanent fund. www.apfc.org/reports publications, 2004.

An Investigation of Responsiveness of Different sources of General Government Revenue to Economic growth in Iran (1350-1383)

Ahmad Jafari Samimi (Ph.D.) and Yousef Mehnatfar (Ph.D.) *

Abstract:

A hypothesis agreed upon in developing countries is to mobilize internal sources especially general revenues of government to promote economic growth. In other words, to insure desired rate of economic growth it is necessary for government general revenues to grow faster than GDP which is an important macroeconomic indexes for economic growth measurement. In this paper the elasticity of oil, tax and other government revenues with respect to GDP have been estimated during 1350-1383. The results show positive relation between real GDP and oil revenues. Also our findings regarding the econometrics regression models estimate the elasticity of government general revenue sources with respect to GDP to be 5.053 indicating that an increase in national output had a significant impact on government revenues during the period under consideration.

JEL classification: *H50*

Keywords: General Government Revenues, Gross Domestic Product (GDP), Oil Revenues, Tax Revenues, Other Government Revenues, Elasticity

*Professor and assistant professor of economics, Mazandaran University, respectively